

دکتر کیومرث یزدان پناه (دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران و عضو پیوسته انجمن ژئوپلیتیک ایران)...

(این تحلیل صرفاً دیدگاه نویسنده بوده و انتشار آن به منزله موضع رسمی انجمن نیست)...

صرف نظر از آنچه که قانون و قانونگذار برای یک موضوع اساسی در کشور در نظر گرفته باشد، منهای معدود افراد مشهور و موجه که آنها نیز کاملاً شناخته شده هستند، روند موجود در تشریح جایگاه قانون و رفتار غلط سیاسی ناشی از آن در برهه انتخاباتی، نشان از ضعف‌های فراوان در ثبت نام انتخابات ریاست جمهوری دارد که افزون بر تمایلات درونی ناظر بر قدرت طلبی کاندیداهای مطرح و غیر مطرح، شهوت ناخواسته شهرت و شهرت طلبی آنی را در برخی ایجاد می‌کند تا بی‌محابا به سمت ستاد انتخابات کشور سرازیر شوند.

این دو مسأله اساسی در کنار بی‌هزینه بودن ثبت نام، از عمده دلایل حضور ناکام اما لذت بخش و دائمی برخی افراد در ستاد انتخابات کشور در هر دوره ریاست جمهوری است.

این سه وجه هم‌غالباً در هر دوره با هم مخلوط می‌شوند و تمایل افراد را برای تحقق یکی از خواسته‌های فوق در صحنه ثبت نام حاضر می‌سازد. اما نتیجه آن معمولاً خلق منظره‌ای تلخ و بی‌محتوا و بعضاً هزینه‌ساز در بستر سیاسی و اجتماعی کشور است.

یکی با سبیل، دیگری با کفتر (کبوتر) سفید، آن یکی با هياهو و سروصدای مزاحم و آن دیگری با ژست حق به جانب و تعداد زیادی نیز با کارنامه سیاه امنیتی و سیاسی و اجرایی وارد وزارت کشور می‌شوند و هویت ملی و سیاسی یک کشور را در سطح بالایی به سخره می‌گیرند!! از باب جامعه‌شناسی سیاسی و روانشناسی سیاسی این رفتارها و این اقدامات بسیار جای بررسی و پردازش دارد و باید برای خاتمه دادن به این رویه غلط و از دم هنجار شکن فکری اساسی کرد.

در حالی که نود درصد افراد ثبت نامی توان اجماع صدنفره را برای مدتی ولو زمان کوتاه ندارند. باعث تحت شعاع قرار دادن اصل و اساس انتخابات و جایگاه ریاست جمهوری نیز می‌شوند. اما اینها همه مایه‌ها نیستند.

وجه دیگر این موضوع نارس، پارادوکس‌های شدید حاکم بر اجرایی و نظارتی کشور در بستر ضعف شدید قوانین مربوطه و همچنین نقش منفعل احزاب سیاسی در کشور است که هنوز هم که هنوز است به اجماعی عقلی در نزد عقلای سیاسی دست اندکار تبدیل نشده تا یکبار برای همیشه به این نمایش‌های ناخوشایند و زنده در میدان فاطمی تهران خاتمه بدهند. کاری که اگر اراده‌ای پشت آن باشد ظرف کمتر از ۶ ماه قابل ساماندهی است.

حضور بازیگران ناشی که بیشتر شبیه بازیچه‌اند تا بازیگر و هیچ درکی از قواعد بازی ندارند از دیگر مصائب عطش دیده شدن است که گاه با تندترین رویه و پا گذاشتن بر روی تمام قواعد رسمی و قانونی، اقدام به خودنمایی می‌کنند. و هدفی جزء دیده شدن و بر سرزبان ماندن ندارند.

این رویه در حالی در مرحله ثبت نامی در حال تکرار شدن است که بزرگترین دستاورد مشارکت سیاسی ایران طی ۴۲ سال اخیر یعنی مردم‌سالاری دینی را شدیداً تحت شعاع قرار می‌دهد.

جمهوری اسلامی ایران در بستر انقلاب اسلامی توانسته بواسطه پویایی سیاسی، یک سازگاری ارزشمندی میان دین و دموکراسی ایجاد کند و بسیاری از مدل‌های رایج انتخاباتی در دنیا را با ارائه مدل مردم‌سالاری دینی تحت تأثیر خود قرار دهد، اما متأسفانه همانگونه که اشاره شد، فقدان سازوکارهای قانونی و حزبی و تعارضات شدید در عرصه اجراء و نظارت، سردرگمی خاصی در ساختار دموکراسی و مشارکت مطلوب مردمی در ایران بویژه در موضوع مهم انتخابات ریاست جمهوری حاکم کرده است.

حضور افرادی که دارای خودشیفتگی مضاعف بوده یا طلبکاری مستمر و دائمی از نظام دارند و با خودباختگی دنبال قدرت و سهم دائمی خود از سفره انقلاب‌اند و یا اینکه دنبال شهرت کاذب‌اند مدام در حال تست خود در این صحنه حساس هستند.

از طرف دیگر حقارت روانی ناشی از ندیده شدن یا تلاش برای بقاء یا بازگشت مجدد هستند، میدان فاطمی را به شدت تحت شعاع خود قرار داده است.

این آفت دیده شدن به هر قیمتی و باقی ماندن در دایره قدرت به هر شکلی، تبدیل به معضلی عجیب در ساختار سیاسی ایران شده است که خود همواره پیامدهای مخرب سیاسی و امنیتی به دنبال داشته است.

در کنار این موارد، محدودیت های ساختاری حاکم بر نظام برداشتی از رِجُل سیاسی هم باعث شده تا ابراز وجود برای برخی افراد عاقل و جامع شرایط غیر مشهور و غیر وابسته به جریانهای قدرت و باندهای ثروت در انتخابات ریاست جمهوری هرگز فراهم نشود.

به نظر نگارنده جای جامعه شناسان و روانشناسان سیاسی که با درک عمیق به مسایل و معضلات داخلی و خارجی ورود به عرصه بکنند واقعا خالی است و صد افسوس که انحصار فرصت ها در دست عده ای خاص و مانع بزرگی به نام رِجُل سیاسی با تفسیرهای خاص هرگز اجازه ورود افراد کارساز و سالم و قوی را نداده و نمی دهد.

و در این میان یک سوال اساسی بی پاسخ باقی می ماند که مردم تا کی باید اسامی تکراری، ناکارآمد و ملال آور را تحمل کنند؟ و یا حتی آنکه زه های ملی خود را تحت شعاع این موضوع ببینند؟!؟

